

۴ مأمور قلابی پلیس آگاهی بازداشت شدند

سرفت محموله‌های بار با ادعای مبارزه با قاچاق کالا



را مأموران پلیس آگاهی معرفی کردند. آنها مدعی شدند که بار خودروی من قاچاق است و باید توقیف شود. یکی از آنها خودرو را باز کرد و سپس پشت فرمان نشست و حرکت کرد. سه‌مرد دیگر به من دستبند زدند و من را سوار خودروی خودشان کردند و خلاف مسیر خودروی خودم به سمت شورآباد حرکت کردند. آنها در محل خلوتی در بیابان‌های کم‌په‌ترک توقف کردند و من را از خودرو به بیرون انداختند و گریختند. من هنگام دور شدن خودرو توانستم شماره پلاک خودرو به شماره انتظامی ایران ۸۸/۰۰* ل ۸۷ را یادداشت کنم.

بعد از مطرح شدن شکایت کار آگاهان پلیس در این باره تحقیق کردند. در حالی که بررسی‌ها در جریان بود کار آگاهان خودروی شاکلی را در حالی که محموله آن سرقت شده بود به صورت رها شده در بیابان‌های اطراف تهران کشف کردند.

در شاخه دیگری از تحقیقات بود که مأموران پلیس موفق شدند با ردیابی شماره پلاک خودروی زانتیا مالک آن را که مردی میانسال بود در خیابان سازمان آب منطقه مشیره‌به شناسایی کنند. او وقتی در این باره تحقیق

شد، گفت که خودرو در اختیار پسر ۳۲ساله‌اش علی است. وقتی که تصویر علی، م به عنوان یکی از پلیس‌های قلابی به شاکیان نشان داده‌شد همگی او را به عنوان یکی از سارقان شناسایی کردند. کار آگاهان در جریان شناسایی و ۲۷تیرماه در جریان عملیات همزمان چهار پلیس قلابی را در مخفیگاه‌هایشان در مناطق مشیره، خیابان نبرد شمالی و خیابان پیروزی بازداشت کنند. آنها در بازجویی‌ها به سرقت‌های سریالی محموله‌های بار در ورودی‌های شهر به خصوص محدوده نواب و خیابان فدائیان اسلام اعتراف کردند. آنها همچنین محل نگهداری اموال مسروقه را در محدوده خیابان فدائیان اسلام به پلیس نشان دادند که در بازرسی از این محل تمامی اموال مسروقه کشف و توقیف شد.

سرهنگ کار آگاه علی ولیپور گوذری، معاون مبارزه با جرائم جنایی پلیس آگاهی تهران بزرگ گفت: هر چهار متهم با صدور قرار قانونی از سوی بازپرس شعبه پنجم دادسرای ناحیه ۲۴تهران در اختیار اداره یکم پلیس آگاهی تهران بزرگ قرار دارند و تحقیقات بیشتر از اعضای این باند در جریان است.

مردی که در جریان انتقام از قتل پدر و برادرش، عمویش خود را به قتل رسانده بود، در جلسه دادگاه‌انه را شرح داد.

به گزارش خبرنگار ما، بیست‌وچهار مهرسال ۹۰، مأموران پلیس اسلامشهر از قتل پدر و پسنری به نام‌های هادی ۶۰ساله و پیام ۲۲ساله در شهرک قائمیه اسلامشهر با خبر و در محل حاضر شدند. بررسی‌های اولیه مشخص کرد که دو مقتول از سوی مردی نقابدار با شلیک گلوله به کام مرگ رفته‌اند. شواهد همچنین نشان می‌داد نقابدار سیاهپوش بعد از حادثه از محل متواری شده است و دیگر پسر مقتول به نام ایرج که در آن درگیری جان سالم به در برده بود به مکان نامعلومی گریخته‌است. در حالی که تحقیقات پلیسی ادامه داشت چندروز بعد از حادثه ایرج به اداره پلیس رفت و گفت: «عمویم به نام احمد با همسرش اعظم اختلاف داشت. دامنه این اختلافات به خانه ما هم کشیده‌شده بود و ناخواسته خانواده من را هم درگیر کرده بود. با حادثه پیش آمده احتمال می‌دهم عامل قتل پدرم و برادرم، عمو و زن عموی باشند.»

بعد از توضیحات پسر مقتول، زوج جوان تعقیب مأموران قرار گرفتند تا اینکه مأموران پلیس اعظم ۹ساله را در شهرک راه آهن تهران شناسایی و بازداشت کردند. این زن در بازجویی‌ها گفت: «من و شوهرم جدا از هم زندگی می‌کنیم به همت خاطر از قتل اطلاعی ندارم. در این مدت از شوهرم نیز بی‌خبرم.» زن جوان قصد داشت پلیس را گمراه کند تا اینکه در روند بازجویی‌ها بالاخره لب‌به اعتراف گشود و در توضیح به مأموران گفت: «برادر شوهرم پسرش را در توضیح به مأموران گفت: «برادر شوهرم قوت گرفت تا اینکه پلیس در ریافت برادرزاده احمد – ایرج – به مکان نامعلومی گریخته است. بنابراین ایرج به عنوان مظنون تحت تعقیب قرار گرفت، اما پلیس ردی از وی به دست نیاورد.

حواالت

سرویس حوادث ۸۸۹۸۴۳۰



قتل خانوادگی

به سبک گانگستری

عمویم به حسن وعده داده بود تا آخر عمر زندگی‌اش را تأمین می‌کند و قرار بود او را به ترکیه بفرستد.»
متهم در خصوص قتل عمویش گفت: «روزی حسن و عمویم را در مسیر اوان تعقیب کردم. متوجه شدم عمویم از حسن خواسته قبر را عمیق‌تر کند تا بعد از دفن کسی نتواند بقایای جسد مرا پیدا کند. حسن مشغول کندن قبر بود و عمویم در ماشین نشسته بود که متوجه من شد. در آن شرایط چاره‌ای جز کشتن او را نداشتم. آنجا بود که اسلحه را برداشتم و به سمت او شلیک کردم اما متوجه نشدم گلوله‌ها به او برخورد کرد یا نه. سپس با قمه‌ای که همراه داشتم چند ضربه از پشت زدم و فرار کردم.»

متهم در آخرین دفاعش گفت: «باور کنید اگر عمویم رانمی‌کشتم الان زنده نبودم و او مرا می‌کشت.»

در ادامه حسن ۲ساله که با قرار وثیقه آزاد بود به اتهام معاونت در قتل با انگار جرمت شمرده «خانواده ایرج و عمویش – احمد – را می‌شناختم. روزی احمد از شکیاتیم صرف‌نظر کنم با ازدواج دخترش و برادر کرکچم موافقت می‌کند و به من پول می‌دهد. قبول نکردم تا اینکه شنیدم عمویم با وثیقه آزاد شده است و نقشه قتل را کشیده است. او با یک نفر از دوستان برادرم به نام حسن در مورد قتل من صحبت کرده بود، اما حسن به خاطر رابطه دوستانه‌ای که داشتمیم تحقیقت را گفت. وقتی از نیت عمویم باخبر شدم از حسن خواستم تا به خواسته‌های عمویم عمل کند تا علیه او مدرک جمع کنم و در فرصتی مناسب آنها را به پلیس تحویل بدهم.»

متهم در ادامه گفت: «حسن به من گفته بود عمویم با اوان همکاری می‌کند و به عنوان قاچاقچی در شمال کشور تهیه کرده و قبری را در منطقه اوان کنده است تا جسد مرا در آن دفن کند. همچنین او از حسن خواسته بود بعد از قتل من، قاچاقچی اسلحه را نیز سر به نیست کند.

در حالیکه پرونده قتل احمد در شعبه ۱۰۱ دادگاه فحشافویه در جریان بود، زن جوان در شعبه چهارم دادگاه کیفری یک استان تهران پشای میز محاکمه قرار گرفت. زن جوان با درخواست قصاص از سوی اولیای‌دم به دیوار قصاص محکوم شد. این حکم بعد از تأیید در دیوان عالی کشور در آستانه اجرا قرار داشت که خبر رسید پلیس ایرج را در مخفیگاهش شناسایی و دستگیر کرده‌است.

پسر جوان به قتل عمویش با همدستی یکی از دوستانش به نام حسن اقرار کرد. به این ترتیب با اقرارهای متهم پرونده کامل و به شعبه چهارم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد و صبح دیزروز مقابل هیئت قضایی به ریاست قاضی عبداللهی قرار گرفت.

ابتدای جلسه اولیای‌دم درخواست قصاص کردند. سپس متهم در جایگاه قرار گرفت و گفت: «بعد از قتل پدر و برادرم، عمویم در بازداشتگاه پیام داد اگر

از شکیاتیم صرف‌نظر کنم با ازدواج دخترش و برادر کرکچم موافقت می‌کند و به من پول می‌دهد. قبول نکردم تا اینکه شنیدم عمویم با وثیقه آزاد شده است و نقشه قتل را کشیده است. او با یک نفر از دوستان برادرم به نام حسن در مورد قتل من صحبت کرده بود، اما حسن به خاطر رابطه دوستانه‌ای که داشتمیم تحقیقت را گفت. وقتی از نیت عمویم باخبر شدم از حسن خواستم تا به خواسته‌های عمویم عمل کند تا علیه او مدرک جمع کنم و در فرصتی مناسب آنها را به پلیس تحویل بدهم.»
متهم در ادامه گفت: «حسن به من گفته بود عمویم با اوان همکاری می‌کند و به عنوان قاچاقچی در شمال کشور تهیه کرده و قبری را در منطقه اوان کنده است تا جسد مرا در آن دفن کند. همچنین او از حسن خواسته بود بعد از قتل من، قاچاقچی اسلحه را نیز سر به نیست کند.

به مرگش نبودم به همین دلیل شب حادثه با پوشیدن لباس مردانه هادی و پیام را با همدستی شوهرم به قتل رساندم.»

زن جوان در ادامه بازجویی‌ها حرف‌هایش را تغییر داد و گفت: «در این مدت شوهرم به رابطه من و ایرج مشکوک شده بود. در این مورد چند بار با او صحبت کردم، اما فایده نداشت تا اینکه شوهرم تهدید کرد تا ایرج را به قتل برسانم و گر نه خودش این کار را خواهد کرد.» متهم به خصوص قتل گفت: «با تهدیدهای همسرم مجبور شدم نقشه قتل را قبول کنم تا اینکه شب حادثه لباس مردانه پوشیدم و به خانه برادرشوهرم قتل در را شکاندم و وارد اتاق شدم. ایرج وقتی مرا دید به سرعت فرار کرد و نتوانستم او را به قتل برسانم. همان لحظه پدر و برادر او رسیدند و سد راهم شدند. در آن شرایط دست و پایم را گم کرده بودم به همین خاطر ناچار شدم به آنها شلیک کنم.»

بعد از اظهارات زن جوان شوهر او – احمد – نیز بازداشت شد. با اقرارهای مرد جوان، اعظم به اتهام مباشرت در قتل و احمد به اتهام معاونت در قتل روانه زندان شدند، اما با سپردن وثیقه آزاد شدند. پرونده در حال کامل شدن بود تا اینکه چهارماه بعد از حادثه، بیست و دوم بهمن‌ماه همان سال به پلیس خبر رسید احمد با شلیک گلوله داخل خودروی‌اش کشته شده است. در بررسی‌های کارشناسان مشخص شد، احمد با همان اسلحه‌ای که برادر و برادرزاده‌اش به قتل رسانده بودند، کشته شده است. به این ترتیب این فرضیه که قتل از سوی فردی آشنا اتفاق افتاده باشد قوت گرفت تا اینکه پلیس در ریافت برادرزاده احمد – ایرج – به مکان نامعلومی گریخته است. بنابراین ایرج به عنوان مظنون تحت تعقیب قرار گرفت، اما پلیس ردی از وی به دست نیاورد.

مقتول ۲ ماه پس از وقوع حادثه در بیمارستان فوت شد

قتل مرد جوان به خاطر اختلاف مالی

شکم و ریه با صابن چاقو آسیب دیده و مدتی در بیمارستان بستری

و بعد از بهبودی نسبی مرخص شده است تا اینکه روز ۱۲ خردادماه حالش بد می‌شود و دوباره به بیمارستان منتقل شد و این بار فوت می‌کند.

همسری با اعلام شکایت از یکی از دوستان شوهرش به اتهام قتل عمد گفت: چند سال قبل با ارمان ازدواج کردم و الان یک پسر یکساله دارم.

شوهرم روز ۱۸ فروردین ماه امسال با سه نفر از دوستانش به نام‌های وحید، پرویز و متین برای تفریح بیرون رفتند. در راه برگشت شوهرم با پرویز به خاطر اینکه با سرعت زیاد رانندگی می‌کرده است مشاجره می‌کنند که با میانجیگری دوستانش با هم آشتی می‌کنند و در نهایت همگی به خانه پرویز می‌روند. وی و دامه داد: از آنجایی که

مرگ غم‌انگیز مادر و ۲ فرزندش در آتش

حالی که دختر و پسر خود را در آغوش داشت در محاصره آتش گرفتار شده و هر سه به کام مرگ رفته بودند. مهدی رضایی، معاون عملیات سازمان آتش‌نشانی مشهد گفت: هنگام وقوع حادثه پنج عضو خانواده داخل ساختمان بودند که دو نفر از آنها موفق به فرار شدند، اما مادر به همراه دختر و پسرش هنگامی که قصد فرار به پشت‌بام را داشتند در ورودی پشت بام گرفتار شعله‌های آتش شده و جان باختند. وی گفت: علت حادثه در دست بررسی است.



دستگیری ۱۸ اعزامی به حج به خاطر حمل مواد

رئیس پلیس فرودگاه‌های کشور از دستگیری ۱۸نفر به دلیل حمل مواد مخدر هنگام سفر به عربستان خبر داد.

سردار حسن مهری توضیح داد: از نوزدهم تیرماه عملیات حج در فرودگاه‌های سراسر کشور آغاز شده است و بر این اساس بیش از ۸۶هزار مسافر به سرزمین وحی اعزام خواهند شد که از این تعداد تاکنون بیش از ۲۱هزار نفر به سرزمین وحی اعزام شده و بقیه افراد تا ۲۰ مرداد ماه به حج اعزام خواهند شد.

فرمانده پلیس فرودگاه‌های کشور با بیان اینکه از دستگاه‌های ایکس‌ری و دستگاه‌های جدید برای سفر حج استفاده کرده‌یم، ارقام ممنوعه در عملیات حج امسال را آمیول پتی‌دین، ۵۰ و ۱۰۰میلی گرم، آپسول مر فین، ۱۰ میلی گرم، قرص متادون، پنج و ۲۰میلی گرم، شربت متادون، قرص هیدرومورفین دو میلی گرم، قرص متیل فنسی‌دات هیدروکلر اید، قرص ترامادول ۵۰ و ۱۰۰میلی گرم، آمپول ترامادول ۵۰ میلی گرم، شربت آکسیکدورانت کودئین و قرص استامینوفن کودئین اعلام کرد. وی ادامه داد: حمل مابعات آسیدنی مانند آپلیمو و آپنوره، ترش‌جعات، کار، قافو، وسایل برنده، قوطی‌های حاوی مواد اشتعال‌زا همچون گاز و فندک نیز برابسر قوانین بین‌المللی ممنوع است. به گفته وی، در صورت تیکه کشف اقلام ممنوعه در کشور عربستان طبق قوانین همان کشور با متخلفان برخورد خواهد شد و احتمال دارد که به زندان برفتند.مهدی همچنین از دستگیری ۱۸نفر شامل هفت‌زن و ۱۱ مرد دلیل حمل مواد مخدر به خارج از کشور خبر داد و گفت: این افراد که دارای سنین بالای بی بودند عمدتاً مواد مخدر سنتی را در کیف و لباس خود جاسازی کرده بودند.فرمانده پلیس فرودگاه‌های کشور همچنین به‌زاتران هشدار داد که به هیچ‌عنوان بار و وسایل دیگران را قبول نکنند و بار و وسایل خود را نیز به افراد ناشناس نسیارند؛ چراکه بر اساس قانون مسئولیت هر شیء با فردی است که آن شیء در وسایلش قرار داشته است.